

زرتشتیان مقیم بمبئی و گجرات نیز بر پایه رسوم و سنت های قبلی خود عید نوروز را جشن میگیرند.

منابع:

- 1- امیر خسرو دهلوی، قران السعدین، ص.67، دهلوی، 1953.
- 2- علامی، شیخ ابوالفضل، اکبر نامه، ج.2، ص.97، انجمن آسیای بنگال کلکته، 1964.
- 3- مقیم هروی، خواجه نظام الدین احمد بن محمد، طبقات اکبری، ج.2، ص.134، انجمن آسیای بنگال کلکته، 1952.
- 4- جهانگیر، نور الدین، توزک جهانگیری، ص.34، لاهور، 1960.
- 5- لاهوری، عبد الحمید، پادشاه نامه، ج.1، ص.145، انجمن آسیای بنگال کلکته، 1965.



بزرگترین زن خانواده در اولین صبح عید در ظرفی پراز آرد سکه هایی را گذاشته و آن را برای تبرک سال بین افراد تقسیم میکند. همچنین همه افراد خانواده ملزم به دوش گرفتن با آب سرد هستند که نماد سلامتی آنان در بقیه روزهای سال است که تجربه دوش گرفتن با آب سرد در صبح عید برای بچه ها فراموش نشدنی است.

همچنین در این روز برای پر بارشدن درختان، به تنه ی درختان میوه، نخ با پارچه میبندند و یا رنگ میکنند که البته بنا بر مشاهدات علمی، این امر باعث میشود که نوعی کرم آفت نتواند به درخت نفوذ کند.

ادعیه، مناجات و اعمال وارد شده برای نوروز نیز در این روز در خانواده های شیعه مذهب انجام می گیرد.

در حیدرآباد هم در مناطقی که اکثریت با شیعه هاست، روز نوروز تعطیل است. و به اضافه رسومات ذکر شده، مردم این منطقه به مناسبت رنگ برج تحویل سال لباس می پوشند. و باور دارند که حاجتهائی که وقت تحویل سال خواسته شود بر آورده می شود و تعویذ های نوشته شده در این وقت تاثیر بیشتری دارد. بعضی از خانواده های این منطقه دورا دور یک طشت پر از آب می نشینند و لحظه تحویل سال همراه با ورد یا مقلب القلوب والابصار آب را بر سر و صورت خود می پاشند.

کسی مانده به نوروز کتابهائی با عنوان "اعمال نوروز" در کتابفروشیهای مذهبی فروش ویژه ای دارد. همچنین محافل واجتماعات مذهبی مربوط به اعمال نوروزی در این ایام در شهرهای کشمیر، حیدرآباد، لکنو و اکثر مناطق شیعه نشین پروتق و بسیار دیدنی است.

درشهرهای حیدرآباد و لکنو روز نوروز مردم به سر و صورت هم گردهای رنگی میمالند و با آب افشانها به همدیگر آب رنگی می پاشند و آمدن عید و تحویل سال نو را تبریک و شادباش میگویند .



افراد مسلمان مذهبی که هنوز هم تحت تاثیر فرهنگ دوره اسلامی هند هستند، اهمیت زیادی دارد. کشمیر، حیدرآباد، لکنو و بمبئی و گجرات از مراکز معروفی در هند هستند که آنجا هنوز هم جشن نوروز رونق دیرینه ی خود را از دست نداده است.

نوروز در کشمیر، برخلاف دیگر ایالت‌های هند، تعطیل رسمی است. که به نام روز شجرکاری خوانده میشود.

مردم خانه‌های خود را در آستانه نوروز تمیز می‌کنند زیرا این روز به زمستان سخت در کشمیر پایان می‌دهد.

مردم کشمیر معتقدند با به تن کردن لباس‌های نویه هنگام تحویل سال روح و جانشان نیز تازه خواهد شد. آنان به دیدن خویشاوندان و دوستان خود می‌روند و به یکدیگر هدیه می‌دهند.

مرغابی همراه با شلغم و ماهی با ریشه‌های نوعی نیلوفر آبی غذای ویژه نوروز در کشمیر است که زنان آن را یک روز قبل از نوروز می‌پزند.

خانواده‌های وارسته در شب عید سفره‌ای را برای حضرت علی (ع) به نام سفره شاه پهن می‌کنند.

این خانواده‌ها معتقدند که حضرت علی (ع) در زمان تحویل سال از خانه‌های آنان دیدار کرده و آثار رحمت خود را بر جای می‌گذارد.

زنان کشمیری عصر روز قبل از نوروز دور هم جمع شده و بطور دسته جمعی سرود خوانده و بدینوسیله آغاز بهار را اعلام می‌کنند. این رسم اکنون تا حدود زیادی به مناطق روستایی کشمیر محدود است.



غریو کوس و کرنا و صدای نفیر و سرنا آوای مسرت در زمان و زمین انداخت و طنطنه ی دعای اصحاب
عمایم و استحقاق و زمزمه ی ثنای سخن‌طرازان نظم و نثر و لوله در چرخ برین، دراری برج دولت در درج
حشمت چار - پادشاهزاده والا گوهر که چار عنصر شخص دولت‌اند و ارکان اربعه ی کعبه سلطنت در چار
گوشه ی تخت سلیمانی با فرسلطانی قرار گرفتند و در پای سریر خلافت سرآمد ارکان مملکت سردفتر
اعیان دولت یمین الدوله اصفخان استاده سراعبار برافراخت و دیگر ارکان دولت و اعیان سلطنت و سایر
ارباب مناصب درخور نسبت و منزلت ایستادند و مجمع مفاخر و معالی یمین الدوله بنوازشهای ملوکانه
امتیاز یافت و عنایت خلعت زرین و انعام فیل گزین چند وله نام با یراق طلا و ماده فیل ضمیمه ی دیگر
عواطف گردید.»⁵

در زمان حکومت اورنگزیب بخاطر افراط و اسراف، نوروز ممنوع گردید اما پادشاهان گورکانی که
بعد از وی به حکومت رسیدند، جشن نوروز را دوباره شروع کردند و حتی آخرین پادشاه این دوره، بهادر
شاه ظفر که در سال 1857م، انگلیسیها حکومتش را از بین بردند، نیز نوروز را با شکوه خاصی برگزار می
کرد.

نوروز بعد از بین رفتن حکومت اسلامی در هند

بعد از حکومت اسلامی نوروز رسمیت خود را در هند از دست داد اما بطور کلی از بین نرفت. در زمان
حاضر در هند نوروز هم جنبه مذهبی دارد و هم فرهنگی. از نظر باورهای مذهبی نوروز برای شیعیان و یا
عارفانی که نوروز را روز انتساب حضرت علی علیه السلام به منصب ولایت میدانند و از نظر فرهنگی برای



ز هر شاخ شکفته نوبهاری گرفته هر گلی بر کف نثاری

در این اوقات فرخنده سمات که از اعتدال هوا دلها از غم واپرداخته بود و خاطرها با خرمی در ساخته باهتمام پیشکاران کارگاه دولت و کارگزاران کارخانه ی سلطنت در صحن دولتخانه ی خاص و عام سایه بانی موسوم به دل با دل که مانند عرش بلند مکان است و چون آسمان فراخ دامان برافراخته سپهری دیگر بر روی چرخ برین کشیدند و در ته آن اسپکی از مخمل زربفت و بر دور آن شاهپایه‌ها هم از این جنس به ستونهای طلا و نقره برپا کردند و فرشهای رنگارنگ و بساطهای گوناگون گسترده درودیوار دولتخانه خاص و عام را بمخمل زربفت پرده‌های فرنگی و دیباهای رومی و چینی و زربفتهای گجراتی و ایرانی آرایش دادند مجلسی روی کار آمد که عقل دشوارپسندان جهان‌گرد را بحیرت انداخت.

زده خیمه‌های بریشم طناب درو فرش زربفت بیش از حساب

همه پرده‌ها دیبه ی شوشتری همه فرشها سندس و عبقری

چنان نقشها کرده بروی نگار که نقاش چین گشته زو شرمسار

خدایو عالم، خداوند بنی آدم، طراز کسوت جهانبانی مظهر رحمت یزدانی که پیش همت خورشید آثارش گنج شایگان مانند احجاز بی‌مقدار است و دفاین معادن و خزاین بحار چون خاک و آب بی‌اعتبار بر اورنگ جهانبانی که سدره ی آمال و امانی است و طوبای افضال و کامرانی با فرآسمانی و شأن سلیمانی جلوس میمنت مأنوس فرموده بر روی زمانیان اسباب نشاط و ابواب انبساط آماده و گشاده گردانیدند، نسایم عدل دماغ روزگار عطر - آمود گردانید و روایح بذل مشام زمانه بخوراند و دو آفتاب بر ونوال کوه و صحرا را منور ساخت و ابر احسان و افضال خارستان و گلستان را تازه‌تر.

سریر مملکت اکنون کند سرافرازی که سایه بر سرش افکنده خسروغازی فلک کلاه غرور این زمان نهد از سر که هست افسر شه بر سر سرافرازی خطاب خسرو انجم کنون بگردانند که مصلحت نبود خسرو بانبازی



«دید به قدم بهجت لزوم نوروز جهان افروز جهانیان را نوید عشرت جدید رسانید و طنطنه ی مقدم فیض توأم بهار نشاط آثار زمانیان را مژده ی عیش جاوید از رسیدن کوکبه ی شاه رنگین کلاه گل اشجار پژمرده خلعت خرمی و شادابی پوشید و روزگار خزان دیده چمن مهرگان رسیده بر زمردین بساط سبزه باده ی شگفتگی و سیرابی درکشید بلبل نغمه سرابلحن باریدی غمزدگان خزان را نشاط تازه بخشید و صلصل جادو نوا بصوت زهر وی افسردگان مهرگان را انبساط بی اندازه ابر گوهریار سایبان فیض بر روی صحن گلشن برافراخت. رعد خروشنده کوس عروسی گل بر بام فلک می نوازد یا صور رستخیز است که با حیای اموات نبات می پردازد.

روز دوشنبه دوازدهم رجب هزار و سی و هفتم جلالی سرمایه ی نور و ضیای آسمانیان پیرایه ی فروبهای زمینان، جمشید زرین کلاه، خورشید عالم آرا کیخسرو آسمان گاه، آفتاب ظلمت زدا ریایات عدالت و اعتدال و الویه شوکت و جلال بشرف خانه ی خویش برافراشت، باد سبک پابفراشی بساط عالم را رفت و روب تازه داد و ابر چابک دست بسقائی بسط زمین را آب و تاب بی اندازه روی کوه هامون چون انکلیون بگونهای رنگارنگ نگارین شد و رخسار باغ و راغ چون بوقلمون برنگهای گوناگون نمودار بهشت برین شمال روح پرور از ریاحین روح گستر عنبرتر بدامن و آستین کشید و از بوی بهار چون زلف یار و طبله ی عطار مشگ بیز و عنبرریز گردید، عرصه ی زمین را سمن و یاسمین چون آسمان پر زهره و پروین ساخت، صحن بوستان از سبزه زمردین رنگ در فیروزه ی چرخ برین انداخت. گل جلوه کتان و عشوه گران نقاب از رخ برانداخت و بلبل شیدا کاشانه ی دل را از متاع شکیبائی برداخت.

جهان شد تازه از باد بهاران زمین را آبرو افزود باران

خور و خرم نهاد خرمی دوست بگلها بردید از خرمی پوست

گل از گل تخت کاووسی برآورد بنفشه پر طاووسی برآورد



«شب سه شنبه یازدهم ذیقعده ی هزار و چهارده صبح که محل فیضان نور است حضرت نیر اعظم از برج حوت بخانه ی شرف و خوشحالی خود که به برج حمل باشد انتقال فرمود، چون اولین نوروز از جلوس همایون بود فرمودم که ایوانهای دولتخانه ی خاص و عام بدستور زمان والد بزرگوارم در اقمشه گرفته آئینی در غایت زیب و زینت بستند و از روز اول نوروز تا نوزدهم درجه ی حمل که روز شرف است خلاق داد، عیش و کامرانی دادند اهل ساز و نغمه از هر طایفه و هر جماعت بودند لولیان رقااص و دلبران هند که بر کرشمه ی دل از فرشته می ربودند هنگامه ی مجلس را گرم داشتند فرمودم هر کس از مکيفات و مغیرات آنچه میخواست باشد بخورد و منع و مانعی نباشد.

ساقی بنور باده برافروز جام ما مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما

در ایام پدرم در این هفته هژده روزه مقرر بود که هر روز یکی از امرای کلان مجلس آراسته پیشکش‌های نادر از اقسام جواهر و مرصع آلات و اقمشه ی نفیسه و فیلان و اسبان سامان نموده آن حضرت را تکلیف آمدن بمجالس خود می نمود و ایشان بنا بر سرافرازی بندگان خود بدان مجلس قدم رنجه داشته حاضر میشدند و پیشکشها را ملاحظه فرموده آنچه خوش می آمد برداشته تتمه را بصاحب مجلس می بخشیدند چون خاطر مایل رفاهیت و آسودگی سپاهی و رعیت بود در این سال پیشکشها را معاف فرمودم مگر قلیلی از چندی نزدیکان بنا بر رعایت خاطر آنها درجه ی قبول یافت، در همین روزها بسیاری از بندگان بزیادتی منصب سرافرازی یافتند»⁴

پنجمین پادشاه این سلسله، شاهجهان (حک 1628-1664م) که بنای تاج محل نمونه جاویدانی قریحه فرهنگی اوست به جشن نوروز هم رونق بیشتری بخشید. مولف بادشاه نامه، جشن نوروز را در دربار شاهجهان بطور زیر بیان می کند:



مدت هژده روز این منازل دلگشا آراسته بود شبها به فانوس‌های رنگی می‌آراستند و بندگان حضرت هر روز و شب یکبار، دو بار تشریف فرموده صحبت میداشتند و اهل نغمه فارس و هندوی در ملازمت میبودند، بهر یک از امرا و اهل خدمت عنایات خسروانه بظهور میرسید و بازار شهر فتحپور و آگرا را آئین‌بندی می‌نمودند و خلائق اطراف و جوانب بتفریح و تماشای این جشن عالی که هرگز ندیده و نشنیده بودند می‌آمدند و در هفته ای یکروز حکم عموم میشد و دیگر ایام امرا و مهربان و مردم اعیان آمد و شد میداشتند. حضرت در روز نرووز بر تخت سلطنت جلوس فرمودند و امرا و ارباب دولت صفاها زده بترتیب مرتبه و حالت ایستادند و روز شرف که آخرین ایام نرووز است نیز همین دستور مجلس عالی ترتیب یافت و جمیع امرا بمراحم پادشاهی مباهی گشتند. بعضی بعنایات اسب و خلعت و بعضی به زیادتی علوفه و بعضی بزیداتی نوکر و جمعی بیافتن جاگیر و هیچکس نماند که در این هژده روز مورد مراحم خسروانه نشده باشد و امرای کبار پیشکش‌های لایق گذرانیدند و در این هژده روز حضرت در دیوان یکی از امرای کبار تشریف آورده صحبت میداشتند و در آنروز لوازم مهمانی و صحبت را آنکس متکفل می‌بود و پیشکش بسیار از پارچه ی هندوستان و خراسان و عراق و مروارید و لعل و یاقوت و طلا آلات و اسبان عربی و عراقی و پیلان کوه پیکر و قطارهای شتر نر و ماده و اشتران راهوار بردعی میگذرانیدند، و در ایام نرووز شام - خان جلایر از صوبهء بنگاله و راجا بهگوان داس از لاهور آمده بشرف عتبه بوسی مشرف گشتند و چنین مقرر شد که در هر سال در ایام نرووز مجلس نرووزی بطریقی که مذکور شد منعقد شده باشد»³

در زمان اکبر شاه نرووز 18 روز ادامه پیدا می کرد و روز نوزدهم با برگزاری جشن شرف به پایان می رفت. از متن زیر معلوم می شود که شاه نورالدین جهانگیر(حک 1606-1628م) نیز در دوران حکومت خود همین روش را دنبال می کرد:



سلاطین عدالت گستر و حکمای حقایق آئین بوده است و در این زمان بواسطه ی بعضی امور از شیوع افتاده بود بجهت ابتغای مرضیات الهی و اقتضای آثار قدما آن ایام مسرت - فرجام رایج ساختیم. باید که در جمیع ممالک محروسه از امصار و بلاد و قری بر وجه اتم و طریق احسن رایج گردانند و در این معنی کمال اهتمام مبذول داشته دقیقه ای نامرعی نگذارند. تفصیل اعیاد نوروز:

«19 فروردینماه الهی/3 اردیبهشت الهی/6 خردادماه الهی

13 تیرماه الهی/7 مردادماه الهی/4 شهریورماه الهی

16 مهرماه الهی/10 آبانماه الهی/9 آذرماه الهی

هشتم و پانزدهم و بیست و سوم دیماه الهی، دوم بهمن ماه الهی، و پنجم اسفندماه الهی» 2

منظره کشی زیرآبزرگزارای جشن نوروز در دربار اکبر شاه، از جدیت این پادشاه نسبت به ترویج فرهنگ ایرانی خبر می ده:

«در نوروز امسال دیوار ستون ایوانها و دولتخانه ی عام و دولتخانه ی خاص را با ما تقسیم نموده و در قماشها و پرده های مصور گرفته کمال زینت داده بنوعی آراستند که نظارگیان را از مشاهده ی آن، حیرت بر حیرت می افزود و صحن بارگاه دولتخانه را بشامیانه ها زری دوزی و زریفت و غیره ترتیب داده تخت از طلا و مرصع بیاقوت و لآلی در آن نهاده رشک فردوس برین ساختند»

صفه ی نه طاق بیاراستند پرده ی زریفت فلک ساختند

تخت زدند و تتق آویختند عرش دگر بر زمین انگیختند



چتر ز هرسو به فلک سر کشید ابر سر از شرم به چادر کشید
پنج طرف چترچو مهر سپهر شش جهت اراسته زان پنج مهر 1

نوروز در دوره ی گورکانیان در هند (1526-1857 م.)

دوره ی گورکانیان از نظر پیشرفت و ترویج فرهنگ و زبان و ادب ایرانی، دوره ی طلایی محسوب میشود. در همین دوره است که جشن نوروز در هند رسمیت پیدا میکند و بعنوان یک جشن محبوب پذیرفته می شود. شعر زیر از موسس سلسله گورکانی سلطان بابر بیانگر علاقه ی زیاد وی به نوروز است:

نوروز و نویهاری ودلبری خوش است بابر به عیش کوش که عالم دوباره نیست

در بیشتر کتابهای تاریخی دوره مغول هند درباره نوروز و سنتهای نوروزی توضیحات مفصل داده شده است

اکبر شاه (حک 1556-1606م) سومین پادشاه سلسله گورکانی ضمن دستور آتی جایگزینی تقویم شمسی بجای تقویم اسلامی را اعلام و برگزاری جشنهای ایرانی را الزامی می کند:

«چون دانشوران ملل و نحل بجهت شکرگزاری و سپاسداری از شهور و سنین روزی چند را بمناسبات فلکی و مراپطات روحانی بجهت سرور جمهور خلاق و خوشحالی طوایف انام که باعث چندین خیرات و مبرات است اختیار فرموده اعیاد نام نهاده اند و در آن ایام مسرت پیرا اساس سپاس را محکم ساخته در ادای مراسم خضوع و خشوع بجناب کبریای الهی که خلاصه ی عبادات و زیده ی طاعات است مساعی جمیله بتقدیم رسانیده غنی و فقیر و صغیر و کبیر بقدر قدرت فایده ی تفضل و احسان گشاده ابواب عشرت و کامرانی را بر خواطر مکروبه و بواطن محزونه اخوان زمان و ابنای روزگار گشوده انواع بر و احسان نموده اند. بنا بر آن بعضی جشنهای عالی که تفصیل آن از ذیل این منشور فایض النور بوضوح خواهد پیوست و از چندین هزار سال در بلاد مشهور و معروف است، رسماً در این هزار سال معمول



نخستین حکومت اسلامی در هند، در سال 1193 میلادی توسط قطب الدین ایبک بنیان گذاری شده. از سال 1193 م تا سال 1526 م (سال آغاز حکومت گورکانیان هند) پنج سلسله از پادشاهان مسلمان بر هند حکومت کردند که این دوره کامل دوره سلطنت نامیده می شود. درباره وجود و هیئت نوروز در دوره سلطنت جز اطلاعاتی که از ابیات شاعران فارسی گوی آن دوره به ما می رسد اطلاعات خاصی در دست نیست.

برای مثال بعضی از این اشعار ذیلا آورده می شود:

حسن دهلوی (م. 737 هـ)

ساقیا می ده که ابری خواست از خاور سفید سرو را سرسبز گشت و برگ را چادر سفید

ضیاءالدین نخشبی بدایونی (م. 751)

نسیم یار میآید ازین سو مرا سرمست خواهد کرد این بود
چه بوده است این که هوشم پردیک می چه جام است این که مستم کرده بی می

امیر خسرو دهلوی:

رفت چو خورشید به برج حمل نور شرف کرد به گیتی عمل
دور جهان روز نو از سر گرفت موسم نوروز جهان در گرفت
شاه در آن روز هم از بامداد قصر فلک مرتبه را تاب داد
کنگره ی قصر طرف بر طرف تا به حمل رفته شرف بر شرف
صفه ی نه طاق بیاراستند پرده ی زریقت فلک خواستند
تخت زندوتتق او بختند عرش دگر بر زمین انگیختند



پرورده بود، آتش، همان عظمت و اهمیت دیرینه خود را حفظ کرد. همینگونه عوامل است که راه دستیابی به سر نخهای اشتراک مراسم فرهنگی همچون نوروز را آسان و مختصر می کند.

بی تردید جشن نوروز به شکل کنونی خود، در جهان بعنوان یک جشن ایرانی شناخته می شود که همراه با پادشاهان مسلمان (1151 م) وارد هند شد، اما در کنار این واقعیت شواهدی نیز در دست هست که وجود نوروز را پیش از ورود فرمانروایان مسلمان در هند نشان می دهد. در کشمیر هند، گروهی از پاندیتهای هندو مذهب است که از دیر باز همزمان با نوروز جشنی بنام (نوره) می گیرند که شباهت خیلی زیاد با نوروز دارد. افراد این گروه، طبق تقویم مخصوص خود (پنچاگ) هر سال دو روز قبل از تحویل سال یک سینی پوجا (پرستش) که شامل مجسمه یک الهه زن بنام شاردا، یک خودکار، یک برگ سبز درخت، یک سکه پول و کمی برنج است را آماده و لحظه تحویل سال دورا دورش نشسته دعا و نیایش می کنند. روز نوروز صبح زود بیدار شده در رودخانه و یا با آب چشمه دوش می گیرند، لباس نو می پوشند، سفره نوروزی پهن می کنند، دخترهای ازدواج کرده به خانه پدر و مادر دعوت میشوند و به آنها هدایایی تقدیم می شود. علاوه بر این، مراسم چهار شنبه سوری و جشن هولی که هر دو به مناسبت به پایان رسیدن فصل زمستان برگزار می شود و مردم هندو مذهب به صورت گروهی، سر کوچه ها، در میدان و چهار راهها آتش روشن می کنند که نمادی از نابودی تمام شرهای موجود در وجود انسان است، نیز با هم شباهت دارد. اینگونه شواهد دلیل بر آن است که جشن نوروز از روزگار کهن در هند وجود داشته است.

لازم به ذکر است که جشن بسنت (در شمال و مرکز هند)، جشن سونگل، جشن پونگل و جشن آنم (در جنوب هند) از جشنهای بومی بهاری هند هستند.

نوروز در دوران فرمانروائی مسلمانان در هند



8.Persian (فارسی)



بنام خداوند

نوروز در هند

علی اکبر شاه¹

بر مبنای اطلاعات تاریخی در دست، هندو - اروپائیان از دشتهای اطراف دریای خزر و جنوب روسیه پیدا شده و و به تدریج به طوایف گوناگون تقسیم شدند که در جستجوی مراتع و علفزارها به یونان و آسیای صغیر و ایران و هندوستان مهاجرت کردند. به هنگام این مهاجرتها (آریائی) خواننده می شدند. این امر هم به اثبات رسیده که پیدایش فرهنگ هندو ایران از تنه مهاجرت آریائیهها به آن دو کشور شاخه زده است. هزاره دوم ق م (زمان مهاجرت آریائیهها به هند) دوره آغاز مشترکات آئینی و فرهنگی هند و ایران محسوب می شود که عامل اصلی آن را باید در یگانگی نژادی ملت دو کشور جستجو کرد. از جمله این مشترکات، تاثیر گزاری آئیمزم بدوی بر نخستین اندیشه های مذهبی آریائیهها است که برای نیروهای موجود در طبیعت، که قابل کنترل و درک کردنی نیستند، جنبه آسمانی قائل شده و آنها را به صورت الهه مجسم می کند. مورد احترام قرار گرفتن آتش یک نمونه بارز اینگونه آئیمزم است. همانند آتشکده های ایران، آتش اجاق خانواده های آریائی هند هم همیشه فروزان نگاه داشته می شد و مورد احترام و پرستش قرار می گرفت و همچون هند امروز مراسم عقد ازدواج در حضور آتش انجام می گرفت. از میان چهار عنصر، آتش بی غش ترین عناصر دانسته شده و واسطه میان ایزدان و آدمیزاد بود. از زمان 1500 ق م تا دوره آغاز روابط سلسله وار دو کشور که دو فرهنگ مستقل را در اوضاع مختلف جغرافیائی و سیاسی

¹سر دبیر